

بررسی و نقد شاخصه‌های تأویل‌گرایی در جریان‌های انحرافی مهدویت

محمد علی فلاح علی آباد^۱

چکیده

بهره‌گیری از «تأویل»، از بارزترین شگردهای جریان‌های انحرافی در موضوع مهدویت است؛ چراکه تأویل راه سوء استفاده از نصوص دینی را به منظور توجیه عقاید فرقه‌ای برای آنان می‌گشاید؛ به نحوی که می‌توانند خود را برای دین‌باوران تزیین کنند و مشروعیت خویش را به دیگران بنمایانند. شناخت ویژگی‌ها و شاخصه‌های تأویل در فرقه‌های انحرافی مهدویت، زمینه فعالیت آنان را از بین خواهد برد و آسیب‌های این فرقه‌ها را کاهش خواهد داد. از این‌رو، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، به شاخصه‌ها و ویژگی‌های تأویلات فرقه‌های انحرافی مهدویت می‌پردازد. برخی از ویژگی‌ها، مانند به کارگیری نصوص متشابه و ضعیف مربوط به نصوص تأویل شده است و برخی دیگر، ویژگی‌های روشی تأویل، نظیر جعل و تحریف در فرقه‌ها است. در دسته دیگر ویژگی‌های عملکردی تأویل‌گر، مانند ذوق‌گرایی، ضدیت با نهاد روحانیت و طرح ادعاهای تدریجی در قالب تأویل، مورد اشاره قرار می‌گیرد و در نهایت شاخصه‌های تبلیغاتی تأویل، مانند فضاسازی ایام ظهور بر شمرده می‌شود. واژگان کلیدی: تأویل‌گرایی، فرقه‌ها، مهدویت، تأویل نصوص دینی.

«مهدویت» از بسترهای جذابی است که در طول تاریخ، مورد توجه فرقه‌های انحرافی بوده است. مؤلفه‌های بی‌نظیر آموزه مهدویت، نظیر برپایی حاکمیت الهی بر کل جهان، ریشه‌کن شدن ظلم و برقراری عدالت، همواره آرزوی انسان‌های آزاده و رنج‌کشیده بوده و لذا تمایل به موعود و منجی از نیازهای فطری انسان و مورد تأکید همه ادیان الهی بوده است. فرقه‌های انحرافی با درک این حقیقت، با هدف سوء استفاده از ظرفیت آموزه مهدویت در راهبری امت اسلامی و به انگیزه پیشبرد اهداف فرقه‌ای، به تأویل نصوص و مفاهیم دینی آموزه مهدویت روی آورده‌اند. مشروعیت بخشیدن به فرقه و آموزه‌های آن، با هدف جذب هرچه بیش‌تر توده مردم، اولویت اول فرقه‌ها را در مسیر گسترش عقاید فرقه با توسل به هر وسیله‌ای قرار داده و از این رو گرفتار تأویلات بی‌ضابطه و ناصحیح شده‌اند. معرفی جلوه‌های حقیقی این رفتار، باعث شناخت هرچه بیش‌تر هویت واقعی این گروه‌های انحرافی می‌شود و با توجه به این که مردم در معرض تبلیغات فرقه‌ها قرار دارند؛ ضرورت دارد ویژگی‌ها و شاخصه‌های تأویل‌گرایی در آموزه مهدویت بازشناسی گردد تا توده مردم در برابر تبلیغات فرقه‌ای آنان مقاوم شده و از لحاظ اعتقادی متزلزل نشوند.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، ابعاد تأویل فرقه‌های انحرافی در آموزه مهدویت را از زوایای گوناگون مورد واکاوی و بررسی قرار داده و با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی نظیر متون تأویلی، روش تأویل، اغراض و گرایش‌های تأویل‌گر و شیوه‌های ترویجی فرقه‌ها، به کشف و استخراج ویژگی‌ها و شاخصه‌های تأویل در انحرافات مهدویت می‌پردازد.

تأویل از ماده «أول» در باب تفعیل و ماده «أول» به معنای «رجوع» و «بازگشت» است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۳۵۹) و «أول» را دارای دو اصل ابتدا و انتها دانسته است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۵۸) و در اصطلاح «نقل ظاهر لفظ از معنای اصلی به معنایی دیگر است و آن نقل محتاج دلیل (قرینه) است؛ به نحوی که اگر دلیل نبود، هیچ‌گاه از ظاهر لفظ چشم پوشی نمی‌شد» (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۸۰). با این که کاربست تأویل در آیات قرآنی و روایات به معنای لغوی ناظر است، باید در نظر داشت ظرفیت لغوی

۱. «المراد بالتأویل نقل ظاهر اللفظ عن وضعه الأصلي إلى ما يحتاج إلى دليل لولا ما ترک ظاهر اللفظ».

تأویل، علاوه بر بیان مفاهیم و مصادیق، حکمت‌ها و مصالحی را که سبب نزول احکام و شرایع و معارف شده است نیز در بر می‌گیرد (شاکر، ۱۳۸۲: ص ۱۹). ویژگی مشترک کاربردهای تأویل در نصوص دینی، آمیختگی آن کاربردها با نوعی خفا، پوشیدگی و نامعلوم بودن آن برای همگان است (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹: ص ۳۱). بنابراین، مقصود از تأویل در این نوشتار، برداشت‌های باطنی و خلاف ظاهر از متن مقدس است و تأویل‌گرایی، خصیصه رفتاری جریان‌های تأویلی است که در مسیر تأویل راه خطا پیموده و از تأویل صحیح عدول کرده‌اند.

۱. شاخصه‌های متون تأویلی

۱-۱. تأویل در نصوص متشابه

از جمله ویژگی‌های تأویل در فرقه‌های انحرافی، تمسک به نصوص و روایات متشابه در تأویل است. این امر به دلیل قابلیت و ظرفیت متون متشابه است که در معانی مختلف قابل انطباق و تأویل است؛ مانند روایاتی که ظهور حضرت مهدی علیه السلام را با «امر جدید» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۸۴) یا «کتاب جدید» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۴) دانسته است. تعبیر «امر جدید» و «کتاب جدید» مفاهیمی است متشابه و در معانی متعددی قابل تمسک است؛ چنان‌که تأویل صحیح آن، نمایان‌کننده چهره حقیقی اسلام و زدودن انحرافات است که در طول سالیان متمادی به اسلام داخل شده است (صدر، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۲۵۳). همچنین «امر جدید» در تأویلات بهائیت، به معنای این است که قائم آیینی جدید؛ یعنی آیین باییت و بهائیت را پایه ریزی می‌کند (شیرازی، بی‌تا: ص ۲۹) و در کلمات اسماعیلیه به قیام ناطق از سلسله مراتب امامان اسماعیلی تأویل شده است (غالب، بی‌تا: ص ۴۶-۴۷). «امر جدید» در جریان احمد الحسن به تفکیک قائم از مهدی و ظهور فرزند امام قبل از ایشان تأویل شده است (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ص ۶) و یا روایتی که بازگشت اسلام را به غربت دانسته؛ آن گونه که آغاز آن با غربت بوده است (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۳۹). «بازگشت اسلام به غربت»، مفهومی متشابه است و معانی متفاوتی را می‌توان از آن تأویل کرد؛ چنان‌که جریان احمد الحسن آن را دلیل صحت مدعای خویش گرفته، پیش از آن‌ها نیز گروه‌هایی نظیر اسماعیلیه برای امامان خویش (داعی، بی‌تا: ج ۵، ص ۱۳ و ابن حیون ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۳۷۲) و بهائیت برای استدلال به



صحت ادعای باب از آن بهره برده‌اند (گلپایگانی، ۲۰۰۱: ص ۱۴۳).

از جمله تعابیر متشابه در روایات که لازم است با دقت مورد ملاحظه قرار گیرد تا مورد سوء استفاده جریان‌های منحرف قرار نگیرد؛ اتفاقاتی است که در هر عصر و زمانه‌ای امکان وقوع دارد؛ مانند برخی از خصوصیات آخرالزمان در روایات؛ از جمله اشاعه برخی از گناهان، یا شورش مردم در برخی از مناطق و یا شیوع بیماری‌ها که نظایر آن در زمان‌های متعددی در ادوار گذشته تحقق یافته است. از جمله ویژگی‌های آخرالزمان که بیان‌های تأویلی از آن ارائه شده، ادعای نفهمیدن قرآن و عمل نکردن به آن است که مورد ادعای فرقه‌های متعددی مانند بهائیت و فرقه احمد یمانی بوده و بسیاری از فرقه‌ها، نظیر اسماعیلیه و بهائیت، مدعی ارائه تأویل صحیح نصوص دینی خصوصاً قرآن هستند.

۱-۲. استناد تأویل به منابع ضعیف و متأخر

یکی از ویژگی‌های تأویل در فرقه‌های انحرافی، بهره‌گیری از روایات ضعیف است. این‌گونه کتاب‌ها غالباً پر از اغلاط و اختلافات فاحش نسبت به نسخه اصلی روایت است. از این رو، در استناد به روایات لازم است علاوه بر بررسی وثاقت راویان، منبع روایت نیز اعتبار سنجی شود؛ به نحوی که در استناد به منابع کهن معتبر در موضوع مهدویت، نظیر کتاب کافی یا کمال الدین یا غیبه نعمانی و طوسی، آن مطلب استواری بیش‌تری داشته و در تمسک به آن مشکل کم‌تری وجود دارد. از آن‌جا که روایات ضعیف‌السند، نظیر روایاتی که غالباً در سلسله اسناد آن حضور دارند و یا نویسنده کتاب ضابط نبوده و تعابیر روایات را به صورت منحرف در کتاب خویش به ثبت رسانده است؛ بستر بسیار مناسبی برای مدعیان دروغین مهدویت فراهم می‌کند تا از این روایات تحریف شده بیش‌ترین بهره را از آن خود کنند.

کتاب‌های بشارة الاسلام و ماذا قال علی عن آخرالزمان، از جمله این منابع است که زمینه مساعدی برای ادعاهای جریان احمد الحسن (اسماعیل بصری، بی‌تا: ج ۴، ص ۴۷)؛ فراهم آورده است؛ یعنی با این‌که این کتاب‌ها از منابع متأخر است؛ به جهت اختلافاتی که با روایات موجود در منابع اصلی دارد و با مقاصد فرقه‌ای مناسب داشته است؛ بسیار مورد استناد جریان‌های انحرافی قرار گرفته است. از دیگر مصادیق این مطلب، بهره‌گیری از کتاب الهدایة الکبری، نوشته حسین بن حمدان خصیبی، از رهبران فرقه نصیرییه و از غالبان است. بابت و

بهاییت با بهره‌گیری از روایتی از مفضل بن عمر از کتاب الهدایة الکبری در صدد اثبات مهدویت علی‌محمد باب بر آمده و روایت مذکور را دلیلی بر صدق ادعای وی با ظهور در سال شصت دانسته است (فلاح، ۱۳۹۴: ص ۱۰۳-۱۲۸).

۲. شاخصه‌های روشی تاویل

۲-۱- استناد به دلایل واهی در تاویل

از ویژگی‌های فرقه‌های تاویل‌گرا، استناد به دلایل واهی در تمسک به تاویل است. روشن است در مقام تمسک به دلایل؛ آن استدلال زمانی نتیجه بخش خواهد بود که مقدمات استدلال حجیت داشته باشد؛ لکن فرقه‌های انحرافی این مبنا را زیر پا گذاشته و به هر دلیل که در جهت اهداف فرقه‌ای باشد و اغراض آنان را تأمین کند، تمسک می‌کنند.

۲-۱-۱. تمسک به خواب

برخی از فرقه‌های انحرافی «خواب» را دلیلی بر ارائه تأویلات خویش دانسته‌اند؛ در حالی که در طول تاریخ اسلام، خواب از سوی ائمه علیهم‌السلام و یا فقها مستند اخذ احکام شرعی نبوده است و در کلام معصومین، دین الاهی بسیار عظیم‌تر از آن دانسته شده که با خواب دریافته شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۴۸۲)؛ چه رسد به مسئله مهدویت که از اهم امور اعتقادی است که ملاک آن قطعیت و جزمیت است (ترابی و شهبازیان، ۱۳۹۳: ص ۲۳).

در میان فرقه‌های انحرافی، اسماعیلیه از مقوله خواب بسیار سود جسته و آن را وارد آیین خود کرده و این اندیشه را برای فرقه‌های پس از خود نیز به ارث گذارده است (عقیلی، تابستان ۱۳۹۱: ص ۷). این امر، در فرقه حروفیه به اوج خویش رسید؛ به نحوی که فضل الله حروفی بسیار از خواب و رؤیا متأثر بوده است؛ تا جایی که همین خواب‌ها موجب شده که فضل، قبل از تمامی اندیشه‌هایش، ادعای مهدویت را مطرح کند (ریتر، ۱۳۸۵: ص ۳۴۴). حروفیه در بحث کمالات انسانی، عقایدی به مانند اخوان الصفا داشتند. ارتباط بین خواب و ادعای مهدویت را در همان منبع الهام به غیب که حروفیه بر آن تأکید داشت، می‌توان توجیه و تفسیر نمود (عقیلی، ۱۳۹۱: ص ۱۴). پیروان احمد الحسن نیز خواب را به عنوان دلیلی بر صحت ادعاهای مهدوی احمدالحسن مطرح می‌کنند که حضرات معصومین در خواب و رؤیا



دعوت احمد الحسن را مورد تأیید قرار داده‌اند و اگر کسی طالب حقیقت باشد، با استمداد از ذات الاهی می‌تواند با خواب به این حقیقت برسد (الزیدی، ۱۴۲۶ و جمعی از نویسندگان، بی-تا: ص ۵۵).

۲-۱-۲. استدلال به فرضیه‌های ادوار شریعت

از جمله دلایل واهی در تمسک به تأویل در فرقه‌های انحرافی تمسک به اندیشه تجدید ادواری بعثت پیامبران که یک میراث کهن زرتشتی بود. که به ایران رسید و این، در کیش اسماعیلی برجستگی داشت (امانت، ۱۳۹۰: ص ۳۴۹). نظریه امامت در اسماعیلیه، بر دوره‌ای بودن تاریخ مقدس دینی شکل یافته است؛ به نحوی که هر دوری هزار سال دوام دارد و هر هفت هزار سال قیامت است و هر هفت دور قیامت ۴۹۰۰۰ سال و قیامت‌ها است (نصیری، ۱۳۸۴: ص ۱۱۴).

این اندیشه در سایر فرقه‌های انحرافی، مانند نقطویه مورد تمسک قرار گرفت. انگاره‌های هزاره مدارانه همان چیزی است که از آن به «نظریه گردش زمان» تعبیر می‌شود و به طور مشخص از اندیشه‌های فلسفی اسماعیلیه گرفته برداری شده است (رضازاده، ۱۳۸۵: ص ۲۶۹). پس از نقطویه و اسماعیلیه، بهائیت با تقلید از آنان، اساس اندیشه خویش را بر دور هزار ساله شریعت قرار داد و با تأویل آیات قرآنی و روایات اهل بیت، پایان دور شریعت اسلامی را در سال ۱۲۶۰؛ یعنی هزار سال پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، و در سال خروج علی-محمد باب قرار داد (فلاح، بهار ۱۳۹۳ و تابستان ۱۳۹۵).

۲-۲. تضعیف جایگاه نصوص دینی

از جمله شاخصه‌های تأویل‌گرایی در فرقه‌های انحرافی، تضعیف جایگاه نصوص دینی به انگیزه تسهیل امر تأویل است. آنان در مواردی مجموعه نصوص دینی را که از علائم و نشانه‌های ظهور بحث کرده است؛ مجموعه‌ای با تناقضات بی‌شمار معرفی کرده‌اند تا بدین وسیله چنین وانمود سازند مجموعه متناقض نمی‌تواند راهنما و روشنگر باشد؛ بلکه لازم است با تأویل به دنبال کشف حقیقت از آن بود. قادیانی مجموعه روایات «آمدن مهدی» در منابع اهل سنت را متناقض و ضعیف پنداشته است؛ به نحوی که برخی از روایات را با بعضی دیگر نقیض و مخالف دانسته تا بدین وسیله منکر ظهور شخصیتی مجزا از عیسی شود (قادیانی،

۱۴۲۸: (ص ۱۸۷). بهاییت نیز مجموعه علائم و شرایط زمانه ظهور را ظواهر غیر معقول معرفی کرده که تنها مورد تمسک جهال فرار گرفته است (گلیپایگانی، ۲۰۰۱م: ص ۶۰).

۲-۳. جعل و تحریف در جهت تأویل نصوص دینی

فرقه‌های انحرافی در جهت تأویل‌گرایی، در برخی موارد از روایات جعلی بهره گرفته‌اند؛ چراکه روایات جعلی چنان دارای قدرت تأویل و تطبیق است که با بسیاری از مصادیق قابل انطباق بوده (جعفریان، ۱۳۹۱: ص ۳۹) و در برخی موارد، فرقه‌ها خود به جعل روایات و ساختن مفاهیم متناسب با مضامین مدعای فرقه روی آورده‌اند؛ چنان‌که بهاییت (گلیپایگانی، ۲۰۰۱ و: ص ۵۳-۵۴) در جهت بهره‌گیری از آیه اجل (اعراف: ۳۴) و آیه‌ای که روز را نزد خداوند هزار سال دانسته بود (حج: ۴۷)، به جعل شأن نزول برای آیات و در مواردی به جعل علائم برای صحت ادعای مدعی مهدویت اقدام نموده‌اند؛ نظیر نوشتن تفسیر سوره یوسف که علامتی بر مهدی بودن باب قلمداد شده است (اشراق خاوری، ۱۳۲۸: ص ۵۳).

گاهی فرقه‌ها با تأویل‌گرایی به تحریف روایات اقدام می‌نمایند؛ نظیر روایتی از امام صادق علیه السلام که امام در جواب راوی که از زمان فرج ایشان پرسیده بود؛ چنین پاسخ دادند:

إِذَا اِخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَى سُلْطَانُهُمْ وَ طَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ وَ خَلَعَتْ الْعَرَبُ أَعْتِنَهَا فرج زمانی می‌رسد که در فرزندان عباس اختلاف افتد و کسانی که در آن‌ها طمع نمی‌کردند، در آن‌ها طمع کنند و عرب لجام خویش را پاره کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۷۰).

جریان احمد الحسن در این روایت، به جهت علامت‌سازی برای ظهور یمانی (أحمد الحسن) مرتکب دو گونه تأویل شده است: ابتدا اختلاف در ولد عباس را به اختلاف حاکمانی که به اسم دین حکومت دارند، تأویل می‌کند و سپس تعبیر «خلعت العرب اعنتها» را که به معنای باز کردن لجام است، به خلع حاکمان از حکومت، تأویل کرده و آن تعبیر را به معنای «خلعت العرب حکامها» دانسته است (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ص ۱۱) که این، متضمن جعل و تحریف در این روایت است؛ چراکه نهایت‌اشعار روایت به شورش عرب است؛ اما خلع کردن حاکمان از روایت فهمیده نمی‌شود و بار کردن آن بر روایت، نوعی جعل و تحریف روایت است. از این جهت، این روایت به بهار عربی و قیام مردم کشورهای عرب زبان بر علیه حاکمان این کشورها ارتباطی نخواهد داشت.



در روایتی دیگر که در آن تعبیر «فإن فيها خليفه الله المهدي» وارد شده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ص ۱۱۹)؛ چنان که کلمه مقدسه «الله» از این تعبیر حذف شود، با ادعای احمد الحسن مطابق خواهد بود؛ زیرا وی خویش را جانشین و فرستاده امام مهدی می‌داند که قبل از ظهور ایشان قیام می‌کند. این روایت در استدلالات انصار احمد الحسن، بدون کلمه «الله» مورد تمسک قرار گرفته است (انصاری، بی‌تا: ص ۱۱۴)؛ که حکایت از نوعی جعل و تحریف در روایت دارد.

۲-۴. سوء استفاده از بسترها و خلأها

از مهم‌ترین ویژگی‌های تأویل در فرقه‌های انحرافی و از عوامل اقبال دسته‌ای از مردم به آن‌ها؛ شناخت خلأها و نقاط آسیب‌پذیر و بهره‌جویی از آن در جهت اهداف فرقه‌ای است. قطعاً هر تأویلی در جامعه دینی کارساز نیست؛ بلکه تأویلی مؤثر است که بتواند برخی از نقایص راه، ولو به صورت کاذب پرکرده، و به این صورت بتواند اعتماد مخاطبان را جلب کند. از عوامل اقبال گروهی از مردم به علی محمد باب، بستر تاریخی و اجتماعی عصر و زمانه زندگی او بوده و موفقیت نسبی وی در جذب تعدادی از مردم نیز در همین نکته نهفته است. ظلم فراگیر و سختی‌ها و مشکلات پیش روی مردم، نظیر نبود درآمد کافی و عدم توزیع مناسب ثروت بین آحاد جامعه، موجب نارضایتی عمومی و این نارضایتی، انتظار روزافزون مردم را برای تغییر وضع موجود و حرکت به سوی وضع آرمانی باعث شد و لذا هر ندایی که مدعی رهایی مردم از وضعیت سخت آنان بود، نقطه‌امیدی در دل آنان روشن می‌کرد و هر ندایی از جانب موعود به جان و دل آنان می‌نشست. چنانچه ادله در این بستر اجتماعی، با تأویل بر فردی مانند باب تطبیق شود؛ آمادگی زیادی برای پذیرش آن وجود خواهد داشت. از دیگر بسترهایی که تأویل فرقه را باعث می‌شود و در واقع بسترهای دینی بهره‌وری فرقه‌های انحرافی است؛ وجود خلل در معناپذیری برخی از روایات و یا جعلی بودن برخی دیگر است که زمینه را برای سوءاستفاده جریان‌های انحرافی فراهم نموده است؛ مانند روایات متعددی که مفاد آن اثبات دوازده امام از نسل علی علیه السلام یا دوازده امام از نسل حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و لازمه آن اثبات سیزده امام است و فرقه احمد الحسن از این خلل بیش‌ترین بهره را برده و این دسته از روایات را در جهت امامت خود به عنوان سیزدهمین نفر مورد تمسک قرار داده است (احمد، ۱۴۳۳: ص ۲۵-۷۷ و الزیدی، ۱۴۲۶: ص ۲۸).

ضعف معرفت دینی و عدم قدرت تجزیه و تحلیل مطالب و ادعاهای فرقه‌های انحرافی؛ زمینه‌ساز دیگری در پذیرش تأویلات فرقه‌های انحرافی است. مثلاً همسانی جمع عدد ابجدی حروف مقطعه قرآن با سال ظهور باب و منطبق بودن این دو (گلپایگانی، ۲۰۰۱م: ص ۵۴) و یا وجود بشارتی از یک روایت؛ ممکن است برخی از مردم را دچار شیفتگی کند و آن‌ها این مقوله را به عنوان یک دلیل مستند در اثبات امامت وی بپندارند؛ اما بررسی همه-جانبه این دلیل و تعمق در دلالت روایت و اعتبار سنجی آن (فلاح و رضائزاد، پاییز ۱۳۹۳) راهنمای قضاوت صحیح در مورد آن روایت خواهد بود که متأسفانه و غالباً به آن توجه نمی-شود؛ لکن برخی از فرقه‌ها با برجسته ساختن یک گرایش دینی که در صحت سنجی روایات به علم رجال الحدیث کم توجه است یا همه روایات را صحیح می‌پندارد، مسیر را برای ارائه تأویلات خود ساخته فراهم کرده و این، خود عاملی برای آسیب رسانی این‌گونه روایات می-شود. به عنوان مثال برخی، همه روایات کتاب شریف کافی را صحیح دانسته و آن کتاب را از بررسی‌های رجالی بی‌نیاز دانسته‌اند؛ حال آن‌که در کتاب کافی نیز روایاتی ضعیف یافت می-شود، چه رسد به منابع روایی دیگر که در قوت و اعتبار همپای کافی نیست.

۳. شاخصه‌های عملکردی تأویل‌گر

۳-۱. ذوق‌گرایی

از ویژگی‌های تأویل در فرقه‌های انحرافی، ذوقی بودن و عدم استناد لازم است. همان‌طور که از ضوابط تأویل صحیح، استناد به منابع معتبر برشمرده شد، استناد در تأویل اهمیت زیادی دارد؛ چراکه اصل این است که الفاظ متون مقدس در معنای ظاهری خویش به کار رود، مگر این‌که دلیل معتبری بر خلاف معنای ظاهری اقامه شود و این دلیل از چنان قوتی برخوردار باشد که بتوان بدان استناد نمود؛ لکن بسیاری از تأویلات فرقه‌های انحرافی، از آن‌جا که از دلایل متقن و قابل قبول بی‌بهره است، به ناچار به تأویلات ذوقی و بدون هیچ مستند قابل قبولی روی آورده‌اند؛ تا جایی که در برخی از موارد، تأویلات در یک فرقه متفاوت و متناقض است؛ نظیر اسماعیله که تأویلات ذوقی داعیان اسماعیلی مایه اختلاف بین آنان بوده است (آقانوری، ۱۳۸۴: ص ۲۹۸).



غلبه معنوی؛ چنان که بهائیت مدعی آن است (گلپایگانی، ۲۰۰۱: ص ۱۴۹) و تأویل جنگ و قیام مسلحانه حضرت مهدی علیه السلام به مقابله فرهنگی و غیر نظامی؛ چنان که قادیانیه مدعی آن است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶: ص ۱۲۷-۱۲۹) و تأویل مکه به نجف اشرف بر مدعی جریان احمد الحسن (زیادی، بی تا: ص ۱۴۱)؛ همگی تأویلاتی ذوقی و بلا دلیل است و هیچ دلیل و مدرکی بر آن ارائه نشده است.

۳-۲. ضدیت با نهاد روحانیت و نظام اجتهاد و تقلید

از آن جا که تأویلات فرقه‌های انحرافی، روش نامتعارفی در برداشت‌های دینی به شمار رفته و زمینه گمراهی را برای بسیاری فراهم می‌کند؛ همیشه مورد مخالفت شدید نهاد روحانیت قرار گرفته است. روحانیان، به عنوان سربازان مدافع حریم دین، با هر برداشت غیر دینی که جزئی از دین معرفی شود، به مبارزه پرداخته و فرقه‌های انحرافی سخت‌ترین ضربه‌ها را از جانب نهاد روحانیت دیده‌اند و این فرقه‌ها، روحانیان را مهم‌ترین عامل بازدارنده مردم از میل و گرایش به فرقه‌ها دانسته‌اند. از این رو، یکی از ویژگی‌های مشترک بسیاری از فرقه‌های انحرافی، مبارزه با نهاد روحانیت و تلاش در راه حذف و بی‌اثر سازی اقدامات این نهاد است.

در نگاه بسیاری از گروه‌های تاویل‌گرا، نظام روحانیت به عنوان مهم‌ترین دشمن است و لذا آنان در جهت تخریب و کم اثر سازی آن، از هیچ اقدامی فروگذار نیستند. در این مقوله جریان احمد الحسن، بیش‌ترین تقابل خویش را در مورد روحانیت بروز داده، از جمله این که مراجع تقلید و روحانیت را سبب اصلی تفرقه و اختلاف در امت اسلام معرفی کرده و مدعی است روحانیت کتاب خدا و احادیث اهل بیت را کنار گذاشته و طبق هوای نفس و آرای شخصی خویش عمل می‌کند و روحانیان افرادی گمراه و خائن هستند (انصاری، بی تا: ص ۴۰۴).

از آن جا که احمد الحسن خود را قائم دانسته و بسیاری از روایات مهدویت را بر خویش تأویل می‌کند؛ روحانیت را همان کسانی دانسته است که در برخی از روایات مهدویت مورد مذمت قرار گرفته و از آنان به عنوان دشمنان قائم یاد شده است (زیادی، بی تا: ص ۴۰). احمد الحسن، تبعیت یهود از وسوسه‌های شیاطین در آیه *﴿وَأَتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ...﴾* «و آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته]

بودند، پیروی کردند...» (بقره: ۱۰۲). را به علمای شیعه تأویل می‌کند و آنان را کسانی پنداشته که از وسوسه‌های شیطانی پیروی می‌کنند (اسماعیل بصری، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۳) یا مثلاً در روایتی از امیرالمومنین که چنین وارد شده است: «بِأَبِي أَيْنُ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ يَعْنِي الْقَائِمَ مِنْ وَوَلَدِهِ عَ يَسُومُهُمْ حَسَنًا وَ يَسْتَيْهِمُ بِكَأْسِ مُصَبَّرَةٍ وَ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرْجًا فَعِنْدَ ذَلِكَ تَمَنَّى فَجَرَّةٌ قُرَيْشٍ لَوْ أَنَّ لَهَا مُفَادَاةً مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لِيُغْفَرَ لَهَا لَا نَكُفُّ عَنْهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ؛ پدرم فدای فرزند برگزیده کنیزان - یعنی قائم فرزندان علیه السلام - که آنان را خوار می‌سازد و جام شرنگ به ایشان می‌نوشاند و به آنان جز شمشیر خونریز مرگ آفرین نخواهد داد. پس در این هنگام، زشتکاران قریش آرزو می‌کنند که ای کاش دنیا و هر آنچه در آن است از آن ایشان بود و آن را فدا می‌دادند تا گناهانشان بخشوده شود؛ ولی دست از ایشان بر نخواهیم داشت تا آن که خداوند راضی شود» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۲۹)؛ جریان احمد الحسن تعبیر «فجره قریش» را به مرجعیت شیعه در نجف تأویل می‌کند (زیادی، بی‌تا: ص ۴۲). تأویل فاسقان و فاجران قریش به علمای دین نشان دهنده نهایت بغض ایشان به نهاد روحانیت است. در جایی دیگر، این جریان مدعی است که مسخ به شامپانزه و گراز در هنگامه ظهور در علما و مراجع تقلید است. همچنین عذاب خسف که در روایات ذکر شده است، برای عالمان دینی است و ایشان را همان لشکر سفیانی دانسته که دچار عذاب خسف می‌شوند (همان، ص ۴۴)؛ و هرکس به دلیل تبعیت از روحانیت، دعوت احمد الحسن را نپذیرد، کافر و خارج از ولایت اهل بیت است و بندگی غیر خدا، یعنی بندگی علمای غیر عامل گمراه خائن (همان، ص ۸۵). احمد الحسن نه تنها علما را مورد اهانت و تهمت قرار داده، بلکه مقلدان مراجع تقلید را نیز بی‌نصیب نگذاشته است. وی شعراء را در آیه «وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (شعراء: ۲۲۴). و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند به علما و گمراهان را نیز به مقلدان مراجع تقلید تأویل کرده است (اسماعیل بصری، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۲).

بهبیت از دیگر فرقه‌های انحرافی است که به شدت با نهاد روحانیت به مبارزه پرداخته و توهین و بدگویی از روحانیت، از جمله اقدامات عادی این فرقه است. آن‌ها روحانیت را نه تنها جاهل و بی‌دانش می‌خوانند، بلکه آنان را سبب گمراهی توده مردم می‌دانند (نوری، ۱۳۷۷: ص ۹). از منظر بهائیت، روحانیان همه ادیان به جهت حب ریاست، در برابر پیامبران الهی ایستادگی کرده و عامل اصلی در به قتل رسیدن انبیا در همه زمان‌ها بوده‌اند (همان، ص ۱۰).



از منظر آنان روحانیت سبب ضعف اسلام و اختلال حال امت هستند (گلپایگانی، ۲۰۰۱: ص ۳۶۳). در منابع بهائی، هر جا ذکری از فراعنه و جبابره شده، مقصود علما است!^۱ آنان از علما به دزدان راه تعبیر می‌کنند.^۲ آن‌ها به این امر بسنده نکرده‌اند، بلکه با نمادهای روحانیت شیعه نیز به شدت مخالفت می‌ورزند، مثلاً بهاء الله از نشستن بر روی منبر منع و اصحاب خود را به نشستن بر روی کرسی امر می‌کند^۳ و در جایی لباس روحانیت را به سخره می‌گیرند.^۴ غلام أحمد قادیانی نیز علمای دین را افرادی دانسته که قوه فهم و شناخت نظریه صحیح از آنان سلب شده است و در ظلمات گمراهی رها شده‌اند. آنان به روش انسان‌های مست سلوک می‌کنند و بر هیچ امری ثبات عقیده ندارند (قادیانی، ۱۴۲۸: ص ۳۴). سایر مدعیان مهدویت نیز کمابیش دشمنی خویش را با نهاد روحانیت ابراز کرده‌اند، نظیر محمد بن فلاح مشعشعی که ضمن توصیف علما به حمار، مدعی است که علمای دین از مقابله و مجادله با او ترسیده‌اند (مشعشعی، ۱۳۷۷: ص ۱۱۹).

۳-۳. ادعای علم به همه ادیان و کتاب‌های آسمانی و تأویل صحیح متشابهات

از ویژگی‌های تأویل‌گرایی در فرقه‌ها، ادعای علم گسترده به همه موضوعات و مسائل دینی است. در برخی از موضوعات، تمایز فرقه‌های تأویل‌گر بر سایر جریان‌ها، به ارائه تأویلاتی است که پیش از آن سابقه نداشته است. این برداشت‌های جدید که در برخی از موارد با نبوغ و خلاقیت تأویل‌گر همراه بوده است؛ چنان ترسیم می‌شده که مدعیان آن، تصور حل همه مشکلات و نواقص دینی را در زمانه خویش با این‌گونه از ترفندها داشته‌اند.

۱. بهاء الله در کلامی مقصود از فراعنه و جبابره مذکوره در الواح را روحانیون دانسته است. وی می‌گوید: «فراعنه و یا جبابره که در الواح نازل شده و یا بشود مقصود ارباب عمائمند؛ یعنی علمایی که ناس را از شریعه الاهی و فرات رحمت رحمانی منع نموده‌اند» (نوری ب، بی‌تا: ص ۲۶۶).
۲. در کلامی از شوقی افندی چنین می‌خوانیم: «یا معشر العلماء اتم قطع طرق الله و سبله و مضل عباد» (شوقی افندی، ۱۹۸۴: ج ۳، ص ۳۱۱).
۳. بهاء الله در اقدس می‌گوید: «قد منعمت عن الارتقاء الی المنابر من اراد ان یتلو علیکم آیات ربه فلیقعد علی الكرسي الموضوع علی السیر» (نوری الف، بی‌تا: ص ۱۴۶).
۴. شوقی با سخره گرفتن لباس روحانیت چنین گفته است: «اگر فضل انسان به عمامه می‌بود، باید آن شتری که معادل الف عمامه بر او حمل می‌شود از اعلم ناس محسوب شود» (شوقی افندی، ۱۹۸۴: ج ۳، ص ۳۱۴).

بسیاری از مدعیان از احمد الحسن گرفته تا حسین علی نوری و محمد بن فلاح مشعشی در قرن نهم، آگاهی از مفاد همه ادیان، قدرت تبیین بسیاری از مشکلات دینی را مدعی هستند که علمای دین بر حل آن قادر نبوده اند. آگاهی از تأویل متشابهات در بین مدعیان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ چراکه علم و شناخت آن به راسخان در علم منحصر شده است (آل عمران: ۷).

احمد الحسن درخواست مناظره با فقهای مسلمین، بلکه با همه علمای ادیان سماوی دارد و مدعی است که نسبت به قرآن و تورات و انجیل از همه آگاه تر و عالم تر است (انصاری، بی تا: ص ۲۴۵). مشعشی نیز چنین ادعایی دارد (مشعشی الف، بی تا: ص ۴۴). بهاء الله نیز دقیقا ادعای حل کردن معضلات و مشکلات ادیان را دارد. وی در ایقان معتقد است، تاویلات را جز هیاکل ازلیه درک نمی کند. از این رو علما و مردم از درک آن عاجز بوده اند (نوری الف، بی تا: ص ۱۱).

۳-۴. بهره گیری از تاویلات بی ضابطه

مهم ترین ضابطه و ملاک تأویل صحیح، استناد آن به یک دلیل معتبر شرعی یا عقلی است و در مقابل، از ویژگی های تاویلات نادرست، عدم استناد و مطابقت با مقاصد فرقه ای قابل ذکر است. بسیاری از فرقه های انحرافی در تأویل نصوص دینی چنین راهی را در پیش گرفته؛ به نحوی که مفاهیم دینی را به دلخواه و با توجه به منافع فرقه ای بر اساس تطبیق سازی با جریان فرقه ای مورد تأویل قرار می دهند.

احمد الحسن، تاویلاتی را در دو آیه ذیل بیان کرده که دلیل و مدرکی بر آن وجود ندارد و تنها به جهت توجیه ادعاهای خویش و منکوب سازی مخالفانش از علما، چنین تاویلاتی را مرتکب شده است. آیه نخست این است:

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ و آن گاه که فرستاده ای از جانب خداوند برایشان آمد- که آنچه را با آنان بود، تصدیق می داشت- گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند؛ چنان که گویی [از آن هیچ] نمی دانند (بقره: ۱۰۱).

مهدی زمینه ساز از فرزندان امام مهدی هستند و تعبیر «فریق» را به «علمای شیعه» تأویل کرده است. یعنی آیه در بیان این مطلب است که وقتی فرستاده امام مهدی^۱ به سوی آنان می‌آید، گروهی از علمای شیعه که قرآن و احادیث اهل بیت و مهدیون را ترک کرده و در پشت سر خویش نهاده‌اند، با آنان (جریان احمد الحسن) مخالفت ورزند. آیه بعد چنین است: «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا...»؛ و آنچه را شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند، پیروی کردند. و سلیمان کفر نورزید؛ لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. ... (بقره: ۱۰۲).

کسانی که از القای شیطانی پیروی می‌کنند، علمای شیعه معرفی شده‌اند و ملک سلیمان به ملک المهدی تأویل شده است. وی معتقد است با توجه به اینکه امام مهدی^{عج} هم امام انس است و هم امام جنیان؛ ایشان فرستاده خویش را به سوی هردو گروه فرستاده است؛ ولی شیاطین و پیروانش به وی ایمان نمی‌آورند (اسماعیل بصری، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۳).

۳-۵. طرح ادعاهای تدریجی در قالب تأویل

تأویلات فرقه‌های انحرافی، در شروع در فرقه سازی و آغاز دعوت، با تأویلات پس از شکل گیری و جذب پیروان کاملاً متفاوت است. به عنوان مثال، در برخی از موارد تأویلات مدعیان دروغین مهدویت، در ابتدا رنگ و بوی جانشینی، نیابت و ارتباط با حضرت مهدی^{عج} را دارد؛ اما پس از مدتی و با جذب پیروان و تثبیت فرقه، ادعاها سمت و سوی دیگر می‌یابد و در مرحله بعد، قائم بودن و مهدی بودن را ادعا می‌کنند و در مواردی سیر صعودی ادعا ادامه پیدا کرده و به نبوت و الوهیت نیز می‌انجامد. این نکته با مراجعه به نوع ادعاهای مدعیان، بیش از پیش روشن می‌شود چنان که همه انواع ادعاهای ذکر شده از یک مدعی، نظیر علی-محمد باب وجود دارد؛ به نحوی که انسان دچار سردرگمی می‌شود که در نهایت آیا مدعی ادعای نیابت و جانشینی دارد یا ادعای مهدویت و یا سایر ادعاها را دارد.

محمد بن فلاح مشعشی، از مدعیانی است که در برخی از رسائل خویش، با اقرار به زنده

۱. در دیدگاه جریان احمدالحسن، مقصود از فرستاده امام مهدی^{عج} شخص احمد الحسن است.

بودن حضرت مهدی و ذکر سن حضرت در آن تاریخ^۱ خود را نایب ایشان معرفی می‌کند؛ لکن در جایی دیگر حیات حضرت را به گونه‌ای تأویلی بیان می‌کند که ظهور در حق ایشان محال است و جز ظهور نایبش چاره‌ای نیست (مشعشی ب، بی‌تا: ص ۱۹۰). در این دیدگاه، نیابت نیز با تأویل تبیین شده است؛ به نحوی که معنای نیابت در ابتدا با معنای آن در ادامه کاملاً متفاوت است. نیابت در معنای دوم، خود دارای اثر است و حضرت هیچ اثری ندارد. غلام احمد قادیانی نیز در ابتدا سودای تجدید دین اسلام و احیای دوباره آن در سر داشت؛ لکن پس از ادعای نزول وحی بر خویش، به حیطة نبوت داخل شد و با اعتراف به خاتمیت حضرت محمد ﷺ برای خویش مقام نبوت بالقوه قائل شد (قادیانی، ۱۴۲۸: ص ۱۷۱).

۳-۶. سرپوش نهادن بر ضعفها و نواقص

از ویژگی‌های تأویل فرقه‌ها، کاربست آن برای پوشش ضعفها و نواقص استدلالی فرقه‌های انحرافی است. از آن‌جا که فرقه‌ها بسیاری از مشخصه‌ها و خصوصیات موعود ادیان را دارا نیستند، با ابزار تأویل، مشخصه‌ها و ویژگی‌ها را به گونه‌ای تأویل می‌کنند تا با مقاصد فرقه‌ای تطابق داشته باشد. لکن پیروان ادیان، در انتظار موعودی هستند که دارای مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی خاص باشد تا علاوه بر امکان شناخت وی در زمان مطلوب، مانعی در برابر مدعیان دروغینی باشد که این ویژگی‌ها را دارا نیستند. حال اگر مدعیان دروغین بتوانند تأویلی قابل قبول ارائه کنند که مورد پذیرش مخاطبان قرار گیرد؛ به موفقیت بزرگی رسیده‌اند.

از جمله ویژگی‌های خاص موعود، رفع ظلم از عالم و غلبه و پیروزی بر همه طاغوت‌های زمانه است که در حق هیچ‌یک از مدعیان مهدویت حاصل نشده است؛ لکن برخی با طرح مسئله تعارض غلبه قائم با اختیار و ضرورت آزمایش انسان‌ها پس از ظهور تمسک کرده‌اند؛ یعنی سنت الاهی در مختار بودن مردم است و این اصلی است که هیچ چیزی نمی‌تواند آن را نفی کند و سنت الاهی دیگری نیز در مقام وجود دارد و آن ضرورت تحقق آزمایش مردم است که در صورت قهر و غلبه و اجبار، این سنت الاهی محقق نخواهد شد. بنابراین، ضروری



است که همه شرایط و خصوصیات ذکر شده در ادیان در پیوند با موعود محقق نشود و قائم نیز نباید با قهر و غلبه ظهور کند تا هم مردم آزمایش شوند و اختیار نیز از آنان سلب نشود. محمد بن فلاح مشعشی ضروری می‌داند که قائم با قوه قاهره ظاهر نشود و برای حفظ سنت اختیار و آزمایش مردم ضروری است که نایب حضرت مهدی علیه السلام به صورت ضعیف و محتاج یاری مردم ظهور کند^۱ (مشعشی ب، بی‌تا: ص ۵). جریان احمد الحسن معتقد است که معجزه صادر شده از امام و قائم، لزوماً باید همراه شائبه باشد؛ یعنی نباید چنان قطعیت داشته باشد که جای تردید باقی نگذارد، بلکه باید مشکوک باشد تا از طالب آن سلب اختیار نکند (انصاری، بی‌تا: ص ۳۸۶ و ابن تمام، بی‌تا: ص ۴۲). همچنین معجزه در منطق قرآن را به گونه‌ای تأویل می‌کنند که ارائه آن می‌تواند به تشکیک و انکار آن حجت منتهی شود (انصاری، بی‌تا، ص ۳۹۷).

غلام أحمد قادیانی زمانی که در برابر این پرسش قرار گرفت که چرا سایر علائم ذکر شده در هنگامه ظهور محقق نشده است؛ به تأویل آن نشانه‌ها روی آورده و همه آن نشانه‌ها را استعاراتی دانسته است که وقوعی ناممکن دارد و تنها به منظور آزمایش مردم ذکر شده است؛ چراکه اگر این علائم – مانند ندای آسمانی، ظاهر شدن علامت در پیشانی مومن و کافر، طلوع خورشید از مغرب – به صورت ظاهری هویدا شود، رافع هر شک و شبهه‌ای خواهد بود و همانند قیامت، حجت بر همگان تمام خواهد شد و در این صورت، بین ماقبل و مابعد قیامت تفاوتی نخواهد بود و دیگر هیچ کفاری باقی نخواهد ماند؛ حال آن که شهادت قرآن به وجود کفار تا روز قیامت است (قادیانی، ۱۴۲۸: ص ۱۷۴-۱۷۵).

از دیگر ویژگی‌های زمان ظهور، تحقق رجعت است. بهائیت به دلیل قطعیت رجعت و اثبات آن در روایات متواتر، نتوانسته است اصل رجعت را منکر شود؛ لکن آن ویژگی را به گونه‌ای مورد تأویل قرار داده که سرپوشی بر نقض و ضعف این آیین در عدم تحقق رجعت نهاده باشند. از این رو، رجعت را به «رجعت صفاتی» تأویل کرده است! به عنوان مثال، حسین - علی نوری را مظهر صفات امام حسین یا عیسی دانسته و در توجیه تأویل رجعت به رجعت

۱. وی در این زمینه می‌گوید: «بر خداوند واجب بوده است که این سید را به حسب نیابت جانشین امام زمان کند تا این که آزمایش مردم تحقق پیدا کند؛ چراکه با ظهور امام زمان همه مردم به ناچار تسلیم ایشان شده و آزمایش الهی تحقق پیدا نمی‌کند».

صفتی، مسئله آزمایش مردم را مطرح کرده‌اند؛ یعنی اگر عینا امام حسین علیه السلام یا حضرت عیسی ظهور کند، آزمایش مردم منتفی خواهد شد؛ یعنی هرچند به آن‌ها وعده رجعت دوباره امام حسین علیه السلام داده شده است؛ شخصی غیر ایشان ظهور می‌کند که در صفات مانند ایشان است، تا بدین طریق مردم آزمایش شوند. گلپایگانی در این زمینه چنین نگاشته است:

این مسئله رجوع اشخاص معینه در جمیع ادیان ثابت و وارد است و ابتلای هر امتی به این نکته دقیقه ظاهر و واضح (گلپایگانی، ۲۰۰۱: ص ۲۰۷).

۴. شاخصه‌های تبلیغاتی تأویل

۴-۱. ضرورت سازی برای ظهور خویش

از ویژگی‌ها و خدمات تأویل به فرقه‌های انحرافی، ضرورت سازی فرقه‌ها به وسیله تأویل است. آنان برای گرایش و اقبال هرچه بیش تر مخاطبان به فرقه و پذیرش مدعای رهبران فرقه؛ به تدارک حس نیاز در مخاطب برای پذیرش مدعا ناچار بوده‌اند تا با ضرورت سازی کاذب، مخاطب خود را به پذیرش ادعای فرقه ملزم سازند. این امر با سلسله‌ای از تأویلات صورت می‌پذیرد.

جریان احمد الحسن با بیان تأویلی از قیامت و تفکیک آن به «قیامت صغرا» و «قیامت کبرا» در صدد اثبات ضرورت وجود منذر پیش از برپایی قیامت صغرا برآمده؛ در ادعای آنان امام مهدی و عیسی و ایلیا و خضر در قیامت صغرا می‌آیند و قیامت صغرا علاوه بر حساب، عذاب نقمت برای ظالمان است و ضروری است پیش از عذاب و نقمت، انذار دهنده‌ای ظهور کند تا عذاب توجیه پیدا کند؛ چنان که خداوند فرموده است: ﴿ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نُنَبِّئَكَ رَسُولًا ﴾ (اسراء: ۱۵). در ادعای جریان احمد الحسن، او همان منذری است که قبل از برپایی قیامت صغرا با ظهور حضرت مهدی و عذاب شدن مردم ضروری است قیام کند و مردم را از عذاب ظهور بیم دهد (انصاری، بی‌تا، ص ۲۵۸). در این دیدگاه، قیامت به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و عذاب در قیامت به تعذیب مشرکان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تأویل شده است.

از دیگر مدعیان دروغین مهدویت که با تأویل، ضرورت ظهور خود را عنوان کرده است؛ محمد بن فلاح مشعشی است. وی ضرورت ظهور خویش را با سنت ابتلا و آزمایش مردم



توجه می‌کند؛ چراکه حضرت مهدی علیه السلام با قهر و غلبه ظهور خواهد کرد و قهر و غلبه، زمینه آزمایش مردم را از بین خواهد برد. بنابراین، ضرورت دارد نایب ایشان به صورت ضعیف ظهور کند به نحوی که به یاری مردم نیاز داشته باشد (مشعشعی، بی‌تا: ص ۵) و مردم با یاری وی، زمینه را برای ظهور امام مهدی علیه السلام فراهم سازند؛ اما در شرایط کنونی ظهور مهدی زمینه ساز ضرورت دارد و ظهور مهدی اصلی ناممکن است.

۴-۲. فضا سازی ایام ظهور

از دیگر ویژگی‌های تأویل فرقه‌های تأویل‌گر، فضا سازی ایام ظهور به کمک تأویل است. از آن‌جا که مخاطبان به برخی از علائم و شرایط ظهور آگاهی اجمالی دارند، فرقه‌ها تلاش دارند، وقوع نشانه‌ها و شرایط ظهور را به گونه‌ای تأویل کنند که مخاطب، خویش را در زمانه ظهور تصور کند و برای پذیرش ادعای مدعیان آمادگی بیش‌تری داشته باشد.

حوادث تاریخی مربوط به اعلان ادعای علی محمد باب، آکنده از سناریوی فضا سازی ایام ظهور و اجرای مفاد روایات مربوط به علائم و حوادث ظهور می‌باشد و با این‌که علی محمد در این زمینه تلاش‌های بسیاری کرده؛ به اجرای کامل این سناریو موفق نشد. آغاز حرکت یاران باب به سرپرستی ملاحسین بشرویه‌ای از خراسان (منطقه بدشت) به منظور تطبیق دادن به حرکت پرچم‌های سیاه از خراسان و سپس حرکت ملا حسین از خراسان به طرف مازندران و سفر باب به مکه برای خطاب قرار دادن مردم عالم، در این مسیر تبیین می‌شود. چنان‌که سید علی محمد باب این‌گونه ملا حسین را از قصد خویش آگاه می‌کند:

در مکه امر الاهی را به شریف مکه ابلاغ خواهم کرد. از آن‌جا به کوفه خواهم رفت در مسجد کوفه امر الاهی را آشکار خواهم ساخت (اشراق خاوری، ۱۳۲۸: ص ۵۷).

هرچند در اصل این سفر و آشکار سازی دعوت، تردیدهای جدی وجود دارد؛ در به انتظار نشستن یاران بابی در کوفه برای حضور باب و اعلان دعوت عمومی تردیدی نیست؛ ولی باب به کوفه نیامد و از مسیر دریایی عازم بوشهر شد از آن‌جا به شیراز بازگشت و یاران خود را به ایران فراخواند.

اسماعیلیه نیز در جهت فضا سازی ایام ظهور، برخی از روایات زمانه ظهور را به تشکیل حکومت فاطمیان به امامت امام اسماعیلی «عبیدالله، المهدی بالله» تأویل می‌کند و فرصت ایجاد شده برای شیعیان در دولت فاطمی را به شرایط زمانه ظهور پیوند می‌دهد و رهایی

شیعه از حاکمان جور و سنی مذهب را همان وعده در روایات مهدویت دانسته است که در برخی از روایات آمده است مومن پس از ظهور بر قبر برادر ایمانی خویش ایستاده و از اوضاع خوش زمانه ظهور می‌گوید و آرزو می‌کند، ای کاش او نیز حضور داشت و شاهد عزت مومنان بود (ابن حیون، ۱۴۰۹ ج ۳، ص ۳۵۷). داعی ادریس مدعی است این امر در زمان المهدی بالله، امام اول فاطمیان محقق شده است (ادریس، بی‌تا: ص ۲۳).

از دیگر مدعیان دروغین مهدویت که در جهت فضا سازی ایام ظهور به تأویل متوسل شده، فضل الله حروفی است. وی برای تداعی شدن مسئله غیبت، مدتی را در غاری در اصفهان منزوی بود. سپس مدتی را در غیبت به سر برد و کسی از حال وی خبر نداشت؛ به نحوی که «علی الاعلی» از مریدان فضل، سروده‌هایی را در خصوص این غیبت خلق کرد (صادق کیا، ۱۳۴۰: ص ۲۸۶). سپس وی دعوت خود را آشکار ساخت و مردم را به آیین جدید فراخواند. محمد جونپوری، مدعی هندی نیز در جهت فضا سازی ایام ظهور در سال ۹۱۰ ه. ق به خراسان سفر کرد تا این که مصداق «روایات سود» باشد (جعفریان، ۱۳۹۱: ص ۲۱۳).

۴-۳. مستند سازی

از ویژگی‌های تأویل در فرقه‌های مدعی مهدویت مستند سازی به وسیله تأویل است. مدعیان مهدویت برای اثبات مهدویت خویش و ایجاد مقبولیت عمومی و تقویت اعتقادی پیروان خویش، به ارائه دلایل متقن ملزم هستند. این ادله باید چنان مستحکم باشد که جای هر شک و شبهه‌ای را از بین ببرد. این امر تا حدودی به واسطه تأویل صورت می‌گیرد؛ یعنی تأویل، فرصتی را برای فرقه‌های انحرافی فراهم می‌آورد تا مدعی وجود نصوص دینی، اعم از قرآن و روایات بر ادعاهای فرقه خویش باشند.

در این زمینه کتاب‌های فرقه‌های انحرافی، پر از روایاتی است که در راه اثبات ادعاهای خویش به کار بسته‌اند. ملاحظه کتاب‌های جریان احمد الحسن بر این مطلب صحه می‌گذارد. پیش از آن‌ها سایر فرقه‌ها نظیر اسماعیلیه و بهائیت در این امر پیش قدم بوده‌اند. در تأیید این گفتار لازم است به کتاب‌های فرائد و ایقان از بهائیت و کتاب شرح الاخبار از اسماعیلیه و بسیاری از کتاب‌های انصار یمانی مراجعه کرد.

بنابراین، برای فرقه‌های انحرافی آنچه بسیار مهم و ضروری است، این که در روایات، بشارات و تأییداتی بر آیین و اعتقادات فرقه‌ای خویش بیابند. از این رو، گلپایگانی فصل



مهمی را در ابتدای کتاب خویش به بشارات ظهور بابت و بهائیت اختصاص داده و در آن، به تعدادی از روایات و آیات قرآنی تمسک کرده است (همان، ص ۴۵). چنان که اسماعیلیه پیش از آنان بسیاری از روایات اهل بیت علیهم السلام را بر مقصود خویش تأویل کرده‌اند. داعی ادریس عنوان فصلی از کتاب خود را چنین برگزیده است: «ذکر ما جاء من البشارات و الاشارات بظهور امیر المومنین (المهدی بالله)» (ادریس، بی‌تا: ج ۵، ص ۱۱). در این فصل روایات بسیاری در موضوع مهدویت را بر امامان اسماعیلی تأویل می‌کند؛ نظیر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

أنه قال: يقوم رجل من ولدی علی مقدمته رجل یقال له: المنصور یوطئ له - أو قال: یمکن له - واجب علی کل مؤمن نصرته - أو قال: إجابته؛ مردی از فرزندان من برخیزد و پیشاپیش او مردی است که به او منصور گفته می‌شود که برای او زمینه سازی می‌کند - یا گفت آماده می‌کند - یاری او بر هر مومنی واجب است، یا گفت اجابت کردن او (ابن حیون، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۳۵۹).

این که قبل از قائم، مردی به نام منصور قیام می‌کند و مقصود از آن، ابوالقاسم، از داعیان اسماعیلی در یمن بوده است که منصور نامیده می‌شده و خداوند به او تمکین داده و یاران زیادی به گرد خویش جمع نموده و زمینه را برای مهدی (عبید الله امام اول فاطمی) فراهم کرده؛ نوعی تأویل و مصادره به مطلوب روایت است (ادریس، بی‌تا: ج ۵، ص ۳۱).

۴-۴. تأویل ویژگی‌ها و شرایط اولیا و انبیا

مدعیان دروغین مهدویت که خود مدعی مقاماتی نظیر امامت و نبوت و یا حتی الوهیت بوده‌اند از آن جهت که از قدرت‌های مادی و معنوی مقام امامت و نبوت بی‌بهره بودند و از اعجاز - که از ارکان شناخت اولیا و انبیا به شمار می‌رود - بهره‌ای نداشتند؛ به ناچار به انکار و تأویل معجزات انبیا و اولیا روی آورده‌اند تا بدین وسیله عجز و ناتوانی خویش را در اثبات الاهی بودن و در نتیجه باطل بودن خویش بیوشانند.

قادیانی، خود را مسیح موعود در آخرالزمان و به نحوی خود را نازل منزله و شبیه عیسی عنوان کرده است؛ یعنی همان کس که در روایات، بشارت ظهور آن در آخرالزمان وارد شده است و از این رو مدعی ورود الهام و وحی الاهی بر خود و نیز مدعی نوعی مقام نبوت می‌باشد. خداوند در قرآن برخی از معجزات عیسی را مورد تأکید قرار داده است؛ مانند این که ایشان

خاکی را به شکل پرنده درمی آورد و در آن می دمید و به اذن الاهی پرنده ای زنده می شد (آل عمران: ۵۰). قادیانی از آن جا که از چنین قدرتی برخوردار نیست، به تأویل این اعجاز رو آورد، با این بیان که این کار عیسی علیه السلام احیا و خلق حقیقی نبوده است، بلکه برای دیگران و در چشم مردم چنین نمود پیدا می کرد که پرنده ای زنده شده است؛ حال آن که پس از آن نمایش، آن هیأت می افتاد و به اصل خود بازمی گشت؛ همانند معجزه موسی که عصایش در برابر چشمان مردم چنین جلوه ای داشت (قادیانی، ۱۴۲۸: ص ۱۸۸).

بهاییت نیز که باب و بهاء را از ظهورات الاهی دارای مقام «من یظهره الله» پنداشته و ظهور آن دو را ظهور ربوبیت و شارعیت تلقی نموده اند (گلپایگانی، ۲۰۰۱: ص ۲۷۹)؛ از آن رو که آن دو هیچ اعجازی را در جهت مقام الاهی خویش نشان نداده اند، به کلی منکر معجزات انبیای الاهی شده اند. گلپایگانی بیانی تأویلی از معجزات انبیا دارد، مبنی بر این که لازم است موعود دارای آن نشانه ها باشد:

این امر اقدس اعظم مظهر جمیع حوادث جسیمه ماضیه است ... طوفان نوح است که عالمی معارضت را به مصادمت یک موج منعدم گرداند و جنه ابراهیم است که نار معاندت را بر اهل ایمان برد و سلام نماید. عصای موسی است که حبال اوهام اهل ضلال را فرو برد و ید بیضا است که خاطر ابصار ارباب مکابرت و انکار گردد. نفس مسیحی است که احیای قلوب میتة فرماید و جمال عیسوی که به یک نظره مستعدان را از برص جهل و غباوت مطهر نماید. حقیقت خاتم انبیا است که ختم از رحیق مختوم بگشاید و رجعت ائمه هدا علیهم السلام که جمال قدرت الاهی را در حله مظلومیت جلوه گر فرماید (همان، ص ۶).

نتیجه گیری

شناخت ویژگی ها و شاخصه های تأویل گرایی در فرقه های انحرافی، در بی اثر سازی اقدامات ترویجی - تبلیغی آن گروه ها بسیار مؤثر و کارگشاست و چه بسا از رشد و توسعه چنین گروه هایی در آینده نیز پیشگیری به عمل خواهد آورد.

شاخصه ها و ویژگی های تأویل در انحرافات مهدویت در چهار بخش قابل بررسی است: بخش اول، ویژگی های متون تأویلی است که غالباً نصوص متشابه و ضعیف مورد بهره برداری فرقه های انحرافی قرار می گیرد. در بخش دیگر، ویژگی های روشی تأویل است که جعل،



تحریف، بهره‌گیری از ادله واهی، سوء استفاده از بسترها و تضعیف مفاهیم دینی از ویژگی‌های این بخش است. در بخش سوم ویژگی‌های عملکردی فرقه‌های انحرافی در تأویل است که شاخصه‌هایی نظیر ذوق‌گرایی، ضدیت با عالمان دینی، ادعاهای بزرگ و طرح ادعاهای تدریجی قابل ذکر است و در نهایت، ویژگی‌های تبلیغاتی تأویل‌گرایی در بخش چهارم بیان می‌شود. ضرورت‌سازی، فضا‌سازی زمانه ظهور، مستند‌سازی و تأویل خصوصیات اولیای الهی از شاخصه‌های تبلیغاتی است که در جهت جذب مخاطبان دین‌مدار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن تمام (بی تا). *بینات*، بی جا، انتشارات انصار امام مهدی.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق). *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، مصحح حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین.
۴. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. اسماعیل بصری، احمد (بی تا). *المتشابهات*، نسخه الکترونیک، بی جا، اصدارات انصار الامام المهدي.
۶. _____ (۱۴۳۳ق). *الوصية المقدسه الكتاب العاصم من الضلال*، جمع آوری علاء السالم، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۷. ادیس بن حسن، (داعی ادیس) (بی تا). *عیون الاخبار و فنون الآثار فی فضائل الائمه الاطهار اخبار الدولة الفاطمیة*، تحقیق: غالب مصطفی، بیروت، نشر دارالاندلس.
۸. اشراق خاوری، عبدالحمید، (۱۳۲۸ش ۱۰۶ بدیع). *تلخیص تاریخ نبیل زرنسدی*، طهران، لجنه ملی نشر آثار امری.
۹. امانت، عباس (۱۳۹۰). *تنظیم: دفتری، فرهاد، تاریخ و اندیشه های اسماعیلی در سده های میانه*، فریدون بدره ای تهران، نشر فروزان روز.
۱۰. انصاری، ابو محمد (بی تا). *جامع الادلة*، بی جا، نسخه الکترونیک، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۱۱. آقانووری، علی (۱۳۸۴). *تاریخ و عقائد اسماعیلیه*، (مجموعه مقالات)، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۲. بابایی، علی اکبر؛ عزیز کی، غلام علی و روحانی راد، مجتبی (۱۳۷۹). *روش شناسی تفسیر قرآن*، تحقیق: محمود رجبی، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۳. ترابی شهرضایی، اکبر و شهبازیان، محمد (تابستان ۱۳۹۳)، *جایگاه رویا و خواب در تشخیص حجت الهی از منظر روایات*، فصلنامه پژوهش های مهدوی، سال سوم، شماره ۹.
۱۴. جعفریان، رسول (۱۳۹۱). *مهدیان دروغین*، تهران، نشر علم.
۱۵. جمعی از نویسندگان قادیانی (۱۴۲۶ق). *الجماعة الاسلامیه الاحمدیه، عقائد، مفاهیم و نبذة تعریفیه*، الشركة الاسلامیه المحدوده.



۱۶. جمعی از نویسندگان (بی تا). *ادله جامع یمانی*، امام مهدی، بی جا، انتشارات انصار.
۱۷. رضا زاده لنگرودی، رضا (۱۳۸۵). *جنبش‌های اجتماعی در ایران پس از اسلام*، انتشارات فرهنگ نشر نو.
۱۸. ریتر، هلموت (۱۳۸۵). *آغاز فرقه حروفیه*، ترجمه: دکتر حکمت مؤید، تهران، فرهنگ ایران زمین انتشارات سخن.
۱۹. زیادی، حیدر (بی تا). *یمانی موعود حجت الله*، بی جا، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۲۰. الزیدی، ضیاء (۱۴۲۶ق). *المهدی و المهديین فی القرآن و السنة*، بی جا، منشورات انصار الامام المهدی علیه السلام.
۲۱. _____ (۱۴۳۵ق). *رؤیا در مفهوم اهل بیت علیهم السلام*، ترجمه کوثر انصاری، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۲۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق). *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن*، اصفهان، موسسه صاحب الامر، نشاط.
۲۳. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲). *میانی و روش‌های تفسیری*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۴. شوقی، افندی، (ولی امر الله) (۱۹۸۴م). *امر و خلق*، لانگنهاین، آلمان، لجنة، نشر آثار امری.
۲۵. شیرازی، علی محمد، (بی تا). *دلایل السبعه*، فارسی، بی جا، بی نا.
۲۶. صادق کیا (۱۳۴۰). *واژه نامه گرگانی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. صدر، محمد (۱۴۱۲ق). *تاریخ الغیبه الصغری*، بیروت، دار المعارف للمطبوعات.
۲۸. عقیلی، احمد، (بهار و تابستان ۱۳۹۱). *ظهور فرقه حروفیه و تأثیرات فکری و سیاسی آن در اصفهان*، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام شماره ۱۰.
۲۹. غالب، مصطفی (بی تا). *تاریخ الدعوة الاسماعیلیه*، بیروت، دارالاندلس.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
۳۱. فلاح علی آباد، محمد علی و رضانژاد، عزالدین (تابستان ۱۳۹۵). *تقد و بررسی ادعای دلالت آیه «یدیر الامر» (سجده: ۵) بر پایان دین اسلام*، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۲۶.
۳۲. _____ (پاییز ۱۳۹۳). *تحلیل توقیت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در روایت ابولیبید باز نمایی ترفند بهائیت در استناد به یک روایت*، فصلنامه حکمت اسلامی، ش ۲.
۳۳. _____ (تابستان ۱۳۹۴). *تحلیل و بررسی شاخصه‌ها و ترفندهای بهائیت در ادعای پیش‌گویی زمان ظهور در روایت مفضل بن عمر*، فصلنامه انتظار موعود ش ۴۹.

۳۴. فلاح علی آباد، محمد علی (بهار ۱۳۹۳). نقد و بررسی ادعای پایان دین اسلام و ظهور موعود با توجه به آیه اجل، فصلنامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ش ۸.
۳۵. قادیانی، غلام احمد (۱۴۲۸ق). *حماته البشری الی اهل مکة و صلحاء ام القرى*، اسلام آباد، شرکت اسلامیہ.
۳۶. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
۳۷. گلپایگانی، ابوالفضل (۱۵۸ بدیع ۲۰۰۱م). *کتاب القرائد*، هوفهایم آلمان، لجنه ملی نشر آثار امری.
۳۸. مشعشی، محمد بن فلاح الف (بی تا). *کلام المهدی*، قم، مخطوط کتابخانه مرعشی نجفی.
۳۹. _____ ب (بی تا). *رسائل المشعشی*، قم، مخطوط کتابخانه مرعشی نجفی.
۴۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإرشاد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۱. نصیری، محمد (۱۳۸۴). *امامت از دیدگاه اسماعیلیان*، (مجموعه مقالات)، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۴۲. نعمانی، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، تهران، صدوق.
۴۳. نوری، حسین علی (بهاء) (۱۵۵ بدیع ۱۳۷۷). *ایقان*، آلمان، هوفهایم، لجنه ملی نشر آثار بهایی، نشر جدید.
۴۴. _____ الف (بهاء الله) (بی تا). *اقدس*، بی جا، بی نا.
۴۵. _____ ب (بهاء الله) (بی تا). *الواح مبارکه حضرت بهاء الله* شامل: اشراقات و چند لوح دیگر، بی جا، بی نا.

